

۱۸۲۱ روستا و آبادی با بیش از ۲۰ خانوار و در مجموع از ۱۴۵۰۰ خانواده روستایی است که در بهمن ۱۳۷۹ صورت گرفته و در سال ۱۳۸۳ منتشر شد.

**امکانات ورزشی:** - ۴۰٪ روستاهای کشور فاقد هرگونه امکانات برای ورزش جوانان و نوجوانان است. - ۵۰/۷٪ روستاها تنها یک زمین خاکی برای فوتبال یا والیبال دارند.

- ۴/۵٪ روستاها زمین چمن یا آسفالت دارند. - ۴/۸٪ روستاها دارای سالن ورزشی سربوشیده هستند.

- جمعا ۹/۳٪ روستاها امکانات مناسب برای ورزش دارند.

- ۹۰/۷۱٪ روستاها یا اصلاً امکاناتی ندارند و یا فقط زمین خاکی دارند.

- فاصله روستا از شهر و جمعیت روستا متغیرهایی هستند که بر داشتن امکانات اثر مستقیم داشته‌اند.

- در ۴۹/۸٪ روستاها هیچ مسابقه ورزشی انجام نمی‌شود.

- در ۵۰/۲٪ روستاها در طی سال یک یا چند مسابقه برگزار می‌شود.

- ۴۸/۹٪ خانواده‌ها فاقد هر گونه وسیله ورزشی‌اند.

- در ۴۲/۴٪ خانواده‌ها یک توپ بلاستیکی یافت می‌شود.

- در ۲۲/۲٪ خانواده‌های روستایی دوجرخه وجود دارد که بعد از توپ رایج‌ترین وسیله ورزشی و بازی است.

- در ۶۹/۳٪ خانه‌های روستایی هیچ نوع وسیله بازی و سرگرمی وجود ندارد اما در ۱۸/۴٪ از خانه‌ها شطرنج وجود دارد.

- فوتبال پرتعدادترین (۶۲/۶٪) و ورزش‌های باستانی (۱/۲٪) کم‌تعدادترین ورزش‌ها در روستاها هستند.

البته در میان یافته‌های این طرح اطلاعات و نکات جالب توجه دیگری نیز وجود دارد که می‌بایست در تحلیل‌های ثانوی و نیز در مقایسه با سایر موارد سنجیده شود تا دید بهتری نسبت به کلیت وضعیت فعالیت‌های ورزشی در مقایسه با سایر فعالیت‌های فرهنگی در اوقات فراغت در کشور به دست آید.

رامین کریمیان

## انتخابات عراق

انتخابات عراق در ژانویه ۲۰۰۵ یکی از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای در ماه‌های اخیر بود. برخی از صاحب‌نظران آن را تحولی نگران‌کننده دانسته و برخی نیز موجب امیدواری. در میان آراء مختلفی که در این زمینه مطرح شد، دیدگاهی را نیز کریس تونسینگ سردبیر نشریه گزارش خاورمیانه (Merip) مطرح

کرده است که در این یادداشت به جوانبی از آن اشاره خواهد شد.

کریس تونسینگ در سخنانی که در اواسط ماه فوریه در دانشگاه کالیفرنیا ایراد کرد ضمن اشاره به جوانب گوناگون این واقعه هم از رویکرد مقامات رسمی دولت آمریکا نسبت به مسئله عراق که از آغاز با برآوردهای نادرست بسیار توأم بود، انتقاد کرده است و هم از برخی از آراء ابراز شده از سوی گروه‌های چپ و منتقد آمریکایی در قبال مسئله انتخابات.

از نظر او حضور ۵۸ درصد از واجدین شرایط رای دادن در این انتخابات، آن هم در یک وضعیت امنیتی فوق‌العاده دشوار و در حالی که فقط در روز ۳۰ زانویه نیروهای شورشی به سیصد نقطه حمله کرده و ۴۶ نفر را کشتند - بالاترین رقم حمله در یک روز - واقعه خرد و ناچیزی نبود.



برخلاف نظر تشکیلات بوش و سخنگویان دولت آمریکا که سعی دارند برگزاری انتخابات را دستاورد بلافصل مداخله نظامی ایالات متحده قلمداد کنند، کریس تونسینگ بر این نکته تأکید کرد که برگزاری انتخابات آزاد و سراسری از مدت‌ها پیش خواسته عراقی‌ها و به ویژه شیعیان عراقی بوده است. در حالی که «... ایالات متحده و عاملان داخلی‌اش در عراق، همانند مقامات سازمان ملل که برگزاری انتخابات مستقیم را غیرعملی می‌دانستند، بر آن بودند که این امر را منتفی کنند. حکومت موقت نیروهای ائتلاف که در ژوئن ۲۰۰۴ منحل شد با پیشنهاد لیستی کردن انتخابات فرایند رأی‌گیری پیچیده‌ای را طرح کرده بود که تصور می‌کرد از لحاظ کنترل آراء، سیستم بهتری باشد. تنها در پی نظاهرات گسترده مردم در بغداد، نجف و کربلا و ... با فشاری آیت‌الله سیستانی بود که حکومت موقت مجبور شد به انتخابات مستقیم گردن نهد. هنگامی که تشکیلات بوش این انتخابات را پیروزی خود توصیف می‌کنند، این تاریخچه را فراموش می‌کنند، و به همین نسبت آن گروه از منتقدان دولت که خواستار تعویق انتخابات بودند نیز اشتباه می‌کردند.»

به عقیده سردبیر مریب در تجزیه و تحلیل نتایج انتخابات عراق، هم باید تصویر پر تلالویی را نادیده گرفت که تشکیلات بوش ارائه می‌کند و هم دیدگاه منفی پاره‌ای از

منتقدان ضد جنگ را. زیرا این دگرگونی «...» در درجه اول و بیش از هر چیز نشانی بود از نفی بیم و هراس؛ بیم و هراسی که از دوران پیش از سقوط رژیم گذشته بر جان عراقی‌ها مستولی بود و هنوز هم مستولی است. عراقی‌هایی که رای دادند خواست خود را برای اعاده وضعیت عادی و سیاست مشارکتی ابراز کردند.»

کریس تونسنینگ در ادامه سخنانش خاطر نشان ساخت که این انتخابات در عین حال که جوانب امیدوار کننده‌ای داشت، از برخی جهات نیز نگران کننده بود. یکی از این جهات، وجه قومی - فرقه‌ای آن است. در حالی که در سه ایالت کردنشین شمال و آن بخش از ایالات جنوب عراق که شیعیان در آن اکثریت دارند، بسیاری در انتخابات شرکت کردند. تعداد رأی‌دهندگان در بغداد و دیاله و مناطق نیمه شیعی و نیمه سنی بین بغداد و مرز ایران متوسط بود و در دو ایالت سنی‌نشین انبار و صلاح‌الدین هم تقریباً کسی رأی نداد. با این ترتیب نتیجه نهایی این انتخابات بهیچوجه روشن نیست.

از نظر تونسنینگ احتمال آنکه برگزاری این انتخابات بتواند در کاهش شورش‌های جاری مؤثر باشد، کم است؛ به ویژه آن که بسیاری از نیروهایی که در استخدام گارد ملی و پلیس نوپای عراق درآمده‌اند، شیعه هستند و

این می‌تواند در تداوم حملات موجود تأثیر داشته باشد.

در همین رابطه، یعنی بحث شیعیان عراق و تثبیت موقعیت سیاسی آنها در این انتخابات، وی اظهار داشت نگرانی‌هایی که در این زمینه ابراز شده اکثراً بی اساس است و تعبیراتی چون این گفته ملک عبدالله ثانی، پادشاه اردن مبنی بر تشکیل یک هلال شیعی که از ایران آغاز شده، عراق و سوریه و لبنان را در برمی‌گیرد و یا تشبیه نتایج انتخابات را به گونه‌ای که شریف حسین - برادرزاده آخرین پادشاه عراق - بیان داشت به یک «تسونامی شیعه»، اغراق‌آمیز دانست.

از نظر کریس تونسنینگ به رغم حضور قوی مجلس اعلا و حزب دعوه که هر دو شیعی هستند و سرانشان مدت‌ها در ایران در تبعید بودند، در فهرست ائتلاف دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم آنها از تهران دستور می‌گیرند. به عقیده او «... همانگونه که بارها آزموده شده آنها نخست عراقی هستند و آنگاه شیعی.»

علاوه بر این به عقیده او در برابر ۱۴۵ کرسی ائتلاف عراق واحد از ۷۵ کرسی کردها و ۴۰ کرسی گروه ایاد علاوی می‌توان یاد کرد که هر دو به اندازه کافی نیرومند هستند که در صورت بروز هر نوع زیاده‌خواهی، طرف مقابل را به توافق وادار سازند.

به رغم تمامی ناروشنی‌های موجود درباره آینده عراق - به عقیده سردبیر مریپ - یک عامل عمده می‌تواند در تعیین مسیر کلی تحولات عراق در آینده دخیل باشد؛ و آن عبارت است از میزان سعی و تلاش گروه *ائتلاف متحد عراق* و کردها در متقاعد ساختن گرایش‌هایی که انتخابات را تحریم کردند به مشارکت سیاسی. و دغدغه خاطر اصلی این گرایش درخور توجه، موضوع فراخوانی نظامیان خارجی است و نحوه زمانبندی آن.

با این حال عواملی چون «... اشغال نظامی، تفاوت‌های سکولار یا مذهبی در تدوین قانون اساسی و تداوم دشواری‌های زندگی روزمره می‌تواند به تدریج مشروعیت حاصل از این انتخابات را از میان بردارد و گروه‌های تحریم‌کننده را قادر سازد که خود را در مقام یک مخالف راستین ناسیونالیست در رأس یک جنبش توده‌ای گسترده قرار دهند.»

کاوه احسانی

## ورزش در فرهنگ و زندگی

فصلنامه فرهنگ و زندگی که از نشریات پیشرو و فرهنگ‌ساز سال‌هایی از دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بود و توسط «دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر» منتشر می‌شده بخش ویژه دهمین شماره خود را که در زمستان ۱۳۵۱

منتشر شده بود به بررسی اهمیت مسئله ورزش در تربیت و پرورش جامعه اختصاص داده است.

نخستین مطلب این شماره «ورزش باستانی ایران و آیین مهر نام دارد که نویسنده‌اش شادروان مهرداد بهار از سرآمدان و پیشگامان ایرانی، پژوهش در اساطیر ایران بوده است. مهرداد بهار در این مقاله به جست و جوی منشأ ورزش باستانی ایران یا ورزش-های زورخانه‌ای می‌شنید و پس از بحث و نقد در چند و چون «سنت پهلوانی ایران و تحلیل شخصیت‌های *اوستا* و *شاهنامه* ریشه‌های پهلوانی را در آیین یا اسطوره مهر یا میترا می‌یابد. سپس به برشمردن ویژگی‌ها و مشترکات آیین مهری و تطبیق آنها با آداب و عادات پهلوانان ایرانی و زورخانه‌ها می‌پردازد و ادله و نمونه‌هایی در اثبات مدعایش می‌آورد. بهار در پایان مقاله، با آن که بر غیر قطعی بودن نظریه‌اش تاکید می‌کند، بر آن است که در دوره‌ای میان اواخر هزاره اول پیش از میلاد مسیح تا قرن ششم پیش از میلاد دو آیین در ایران رواج یافته، یکی آیین زرتشت و دیگری آیین مهر و احتمال قوی می‌دهد که آیین زرتشت به تدریج در میان طبقات حاکم رواج یافته و آیین مهر به عنوان مظهر برابری و برادری در میان توده‌های مردمان و تداوم آن آیین را در دوره اسلامی در نهضت‌های دهقانی و عیاری و عرفانی می‌بیند و از آنجا به تاثیرش